

جدی می فرمایین؟!



مادرم اومد خونه و بدون مقدمه بهم گفت: «این پسر آقا کامران بود». گفتم: «خب! خب!» ادامه داد: «همونی که چند وقت پیش دوقطبی شده بود. همه ش توی خیابون با خودش حرف می زد.» گفتم: «نه مادر من! هندزفری بلوتوثی توی گوشش گذاشته بود. شما فکر کردین بنده خدا مشکل داره.» مادرم نگاهی عاقل اندر سفیه بهم انداخت و گفت: «این دفعه فکر کنم کارش از دوقطبی و اینا گذشته. دوقطبه نویی شده! با خودش حرف می زد هیچی. دستاش رو هم بی هدف دور و بر خودش تگون می داد.»

متوجه نشدم مادرم داشت کنایه می زد یا شوخی می کرد یا واقعا تصور می کرد بیماری ای به نام دوقطبه نویی هست که از دوقطبی خطرناک تره. به هر حال آدم از کار این مدافعی کی روش سر در نمی آره! گفتم: «باور کن اون بیچاره مشکلی نداره. شما هم بهتره زیاد توی زندگی بقیه سرک نکشین.» که ناگهان کمی صورتش کج و معوج شد و گفت: «جدی می فرمایین؟! و بعد فیلمی که از پسر آقا کامران گرفته بود. نشونم داد و گفت: «پس اینا رو ما از کجا در آوردیم؟» سری به حالت تأسف تگون دادم و گفتم: «این اپل ویژن پروئه. دور و بر ۳۰۰ میلیون تومن قیمتشه. حتما وضعیت خیلی خوب شده.» در بحر مکاشفت مستغرق شدم و سپس یاد چندتا از کلیپ های انگیزشی افتادم که توی اینستاگرام دیده بودم و بعد رو به مادرم کردم و گفتم: «به دایی می گی همون موتوروش رو بهم قرض بده؟ شما هم اگه جوراب سوراخ داری بهم بده!»

مادر اشک در چشمانش جمع شد و با عصبانیت گفت: «بهت این همه مدت گفتم بیا موتور دایی ت رو بردار یه دوری بزنی یه گردن بند طلایی. دست بند طلایی چیزی برام کف بزنی. نکردی! حالا می خوای واسه یه عینک دودی مسخره که آخرش مردم فکر کنن دیوونه ای. موتور رو از دایی ت قرض بگیری؟! شیرم رو حلال نمی کنم.»

وعده های شوخی شوخی

این روزهای نزدیک انتخابات اگر شنیدید تلگرام می خواهد رفع فیلتر شود و گوشت ارزان شود و یارانه صد برابر، یا یکی خیلی تحویلتان گرفت و دیدید به شما سلام می کند و آدم حسابتان می کند، به خودتان نگیرید. اصلا به شما ربطی ندارد. دو پا دارید، دوتای دیگر هم قرض کنید و بگریزید. شما نمی دانید چرا، ولی ماهم نمی دانیم چرا. یعنی چیزه، چرامی دانیم، چون نزدیک انتخابات است و آدمی هر وعده و وعیدی را که دم دستش باشد و ببیند می تواند بگوید، می گوید. اصلا هم به این دقت نمی کنند که بعضی از آن ها کلا نشدنی، مخصوصا نماینده ای که قرار است به مجلس برود و بشود مجلسی آدم و خیلی از جلساتش را هم شرکت نکنند و میان نطق رئیس مجلس چرت بزنند و رأی بدهند و ندهند و ممتنع بازی در بیاورند و از این جور چیزها.

آدم یاد وعده های انتخاباتی شورای دانش آموزی می افتد. باز خدا خیر همان بچه ها را بدهد که در نهایت وعده شان این بود که مدیر مدرسه را عوض کنند. نه اینکه کل دنیا گل و بلبل شود. بگذریم. خلاصه که طبق سال های گذشته و دوره های قبلی، ماکم ندیده ایم از این چیزها. حتی بعید نیست نماینده ای وعده بدهد که نه تنها خدمت سربازی را کلا حذف می کنیم، بلکه اصلا خودمان می آییم به شما خدمت می کنیم! خلاصه که از مابه شما نصیحت: این روزها هر کسی هر وعده ای داد، لبخند بزنید و رد شوید. حتی می توانید بگویید «جدی می فرمایید؟ پس اینا رو ما از کجا آوردیم؟ اینا چی بوده تا الان دیدیم؟ چرا قبلیا نتونستن؟ چرا تا الان این جوری شده؟» یک بیماری داریم به این صورت که آدمی تا خرش از پل می گذرد، یادش می رود حتی به شما سلام کند، چه برسد به اینکه وعده هایش را عملی کند. البته کم هم نبوده اند افرادی که آمده اند و عمل کرده اند و خوب بوده اند. قهر و این اداها را بگذارید برای همان هایی که خوب شما را نمی خواهند. روزهای تبلیغات نامزدهای انتخاباتی را جدی بگیرید. شما شوخی شوخی از وعده های فلانی خوشتان می آید و بهش رأی می دهید. طرف جدی جدی نماینده عده ای از مردم می شود و هیچی به هیچی.



صفحه ۲
۲۸ بهمن ۱۴۰۲
شماره ۹۷

در حاشیه افتتاح نیروگاه برق ارومیه توسط وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی



۲ ما و وزارت نیرو با هم این حرفا رو نداریم. چهار روز دیگه هم جواد جان اوجی می آد اختتامیه جشنواره فجر رو «هول حالنا، می کنه! مهم خدمته، اینجا و اونجا نداره!»

۳ البته ایشون وزیر نفتن قربان!

۱ راسته می گن شما نیروگاه برق ارومیه رو افتتاح کردین؟ ما تا الان فکر می کردیم شما وزیر فرهنگ و ارشادین قربان!

حجت عبدالملکی در همایش اقتصاد دریا محور ایران



۱ داشتی می گفتی با یک تومن می شه کار تولیدی کرد؟ حتی توی دریا؟

۲ بله جانم! به چوب برمی داری بهش کرم خاکی قلاب می کنی می ندازی تو دریا! بهترین بیزنس! عیدم که نزدیکه و بازار ماهی قرمز داغ!

وضعیت «ریشا»، شیر باغ وحش مشهد



نوموخوام

۱ پاشو با هم یه دوری بزنین. همین عکاسه رو هم سر راه بخور. چون بگیری. این قدر پشت سرت حرف در نیارن. ها؟ چی می گی؟

افتتاح نمایشگاه بین المللی گردشگری با حضور دبیر کل گردشگری سازمان ملل



۱ دبیرکل گردشگری سازمان ملل اینجا نشست. باز پشت تریبون درباره توالت و سرویس بهداشتی صحبت نکنی ها. آبرو داریم.

۲ خودتون توی بیست تا وزارتخونه. عدل آدم رو می دارین وزارت سرویس های بهداشتی. بعد هم بکنن نمی کنین قربان؟ اصلا نخواستیم مال خودت